

accepting the surrender of Shusha and preparing to march on Tbilisi.

A trivial incident in camp put an end to his campaign and almost to the Qājār dynasty. Annoyed by the loud quarreling of two servants, the shah ordered them put to death, consenting only to postpone the execution until after the Friday holy day. Meanwhile, the condemned men were allowed to go about their duties. That night (21 Dhū l-Ḥijja 1211/17 June 1797), with the help of a third servant, they stabbed the shah to death.

Āghā Muḥammad was a complex fusion of vices and virtues, which he focused single-mindedly on planning and executing the Qājārs' ascent to supreme power. Though notoriously fond of jewels, he shunned pomp and ostentation; he lived as austerely as his troops and made sure they were regularly paid. Though cruel and vindictive, he had no time for wasteful vendettas; he used terror freely to establish obedience, order, and security (to punish Kerman for its support of Luṭf 'Alī Khān, he reportedly killed or blinded all the male citizens and enslaved 8,000 of the women and children (Fasā'ī I:238; Busse 61)). Though he prayed and fasted regularly, he also drank to excess; once, while drunk, he shot and wounded his secretary for no apparent reason (Kotzebuhe, 256–8). He dealt with business promptly and with attention to detail, keeping the reins of power in his own hands, but could recognise and use able men, such as Ḥājji Ibrāhīm, whom he made his vizier. Most importantly, he set a precedent by providing unequivocally for his succession. Though he formally reigned for only eight years, it is to his unrelenting ambition that Iran owes the renewed territorial integrity—except for the Caucasus fringe—and sovereignty with which the kingdom entered the nineteenth century.

BIBLIOGRAPHY

Hasan Ḥusaynī Fasā'ī, *Fārs-nāma-yi Nāsirī* (Tehran 1313/1896), 1:227–45, trans. Heribert Busse, *History of Persia under Qajar rule* (New York 1972), 1–80; George Forster, *A journey from Bengal to England through the northern part of India, Kashmire, Afghanistan, and Persia, and into Russia, by the Caspian-Sea*, 2 vols., London 1798; Gavin R. G. Hambly, Aqa Mohammad Khan and the establishment of the Qājār dynasty, *Journal of the Royal Central Society* 50 (1963), 161–74; Muḥammad Ḥasan Khān I'ūmād al-Saltāna, *Muntazim-i Nāsirī*, 2 vols., Tehran 1299/1882; Harford Jones Brydges, *The dynasty of the Kajars*, London 1833; Moritz von Kotzebue, *Narrative of a journey into Persia in the suite of the imperial Russian embassy in the year 1817*, London 1819; John Malcolm, *The history of Persia*, 2 vols., rev. ed. London 1829; Emineh Pakravan, *Agha Mohammad Ghadjar. Essai biographique*, Tehran 1953.

JOHN R. PERRY

Aḥmed III

Aḥmed III (22 Ramaḍān 1084–14 Ṣafar 1149/31 December 1673–24 June 1736; Illustration 1), the twenty-third Ottoman sultan, was one of the sons of Sulṭān Meḥmed IV (r. 1058–99/1648–87) and Emet Allāh Gülnüş (d. 1127/1715). He ascended the throne on 10 Rabī' II 1115/22 August 1703, in the wake of a Janissary uprising in Edirne and the subsequent abdication of his brother Muṣṭafā II (r. 1106–15/1695–1703). Over the next few years, Aḥmed eliminated the leaders of the revolt, as well as those suspected of involvement, and moved the court from Edirne to Istanbul.

In the early years of his rule, the Ottoman Empire remained neutral in the War of the Spanish Succession, particularly in the conflict between Russia and Sweden. However, when King Charles XII of Sweden took refuge in Ottoman territory

اقدامات، سپاهی را به فرماندهی بالتاچی محمدپاشا، وزیراعظم، رهسپار نبرد با روسیه کرد و از خان کریمه خواست که وزیراعظم را در این نبرد همراهی کند. در جنگی که در پروت (ناحیه‌ای بر کران رودخانه پروت)، میان دو سپاه درگرفت، پطر کبیر شکسته شد و نزدیک بود اسیر شود. سرانجام با پادرمیانی وزیراعظم و تمایل پطر کبیر، پیمان‌نامه صلحی میان روسیه و عثمانی بسته شد (۱۱۲۳ ق). بر اساس پیمان‌نامه پروت، روسیه دژ آروف را به عثمانی‌ها بازگرداند و متعهد شد که در لهستان دخالت نکند و اجازه دهد تا کارل دوازدهم، پادشاه سوئد، آزادانه به کشور خود بازگردد. پیروزی در نبرد پروت موفقیتی بزرگ برای سلطان احمد بود. اما زیر پا نهادن مفاد پیمان‌نامه پروت از سوی روسیه، سلطان احمد را به آستانه نبردی دیگر کشاند که با پادرمیانی سفیران انگلستان و هلند در استانبول، از درگیری آن جلوگیری شد. در این هنگام بالتاچی محمدپاشا، به اتهام دریافت رشوه از روس‌ها در ازای بزرقراری معاهده صلح، از کار برکنار شد. سلطان احمد سپس به ادرنه رفت و در تکمیل پیمان‌نامه پروت، قرارداد دیگری با روسیه بست (۱۱۲۳ ق) که سبب شد روابط میان دولت‌های روسیه و عثمانی تا بیست و پنج سال صلح‌آمیز باشد. استانفوردجی. شاو می‌گوید: «امضای قرارداد صلح با روسیه برای درباریان طرف‌دار جنگ با و نیز پیروزی جدیدی تلقی می‌شد. رهبر این جناح سلاح‌دار دامادعلی پاشا بود که به مقام وزارت اعظم دست یافت.» احمد سوم، پس از این موفقیت، به پس گرفتن سرزمین‌هایی مانند جزیره موره/مورثا که بر اساس معاهده کارلویتس (۱۱۱۰ ق) از دولت عثمانی جدا شده بود، پرداخت. وی به بهانه یورش ونیزی‌ها به کشتی‌های عثمانی در دریای مدیترانه، به‌ویژه کشتی حامل اموال حسن پاشا (وزیراعظم پیشین، - ۱۱۲۵ ق)، و همچنین شورش اهالی قره‌طاغ (موته‌نگرو) به ونیزیان تاخت. و نیز که این اقدام دولت عثمانی را مغایر با معاهده کارلویتس می‌دانست با اتریش متحد شد. سرانجام با دخالت اتریش نیروهای عثمانی شکسته شدند. در پی این ناکامی، ابراهیم پاشاداماد، وزیراعظم، با پادرمیانی سفیران انگلیس و هلند، قرارداد صلحی با و نیز در پاساروویتس بست (۱۱۳۰ ق) که بر اساس آن سرزمین‌هایی که به تصرف دو طرف درگیر درآمده بود، در اختیار آنان باقی ماند.

ملاط و ملامتیان، ۶۶؛ مولویه بعد از مولانا، ۳۹۶، ۳۹۷؛

Islam Türk edebiyatı, 290-291 ; *Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi*, 1/75 ; *Türk edebiyatı ansiklopedisi*, 1/52-53.

رشنزاده

احمد سوم عثمانی (ah.mad-e.se.vom-e.os.mā.ni)، فرزند محمد چهارم، ۱۰۴۸ - ۱۱۴۹ ق، بیست و سومین پادشاه امپراتوری عثمانی (۱۱۱۵ - ۱۱۴۳ ق/ ۱۷۰۳ - ۱۷۳۰ م). در استانبول زاده شد. مادرش گلنوش سلطان نام داشت. در روزگار فرمانروایی سلیمان دوم (۱۰۹۹ - ۱۱۰۲ ق)، به سنت دیرینه، به همراه پدر و برادرش در کاخ توپقاپی و سپس در ادرنه زیر نظر بود. در پی شورش ینی‌چری‌ها در ادرنه (واقعه ادرنه) بر ضد برادرش، مصطفی دوم، و برکناری او از سلطنت، احمد سوم به تخت نشست (۱۱۱۵ ق). شورشیان از وی خواستند تا اطرافیان مصطفی دوم، به‌ویژه فیض‌الله‌اقتدی، را از میان بردارد. احمد ناگزیر پذیرفت و فرمان به قتل فیض‌الله‌اقتدی داد. سپس استانبول را پایگاه دائمی خود برگزید و به سرکوبی شورش ادرنه پرداخت؛ چنان‌که گروهی از بوستان‌چی‌ها (نگهبانان شاهی) را که خواهان افزایش حقوق بودند، بیرون راند و گروهی از مسیحیان را به جای آنان گماشت. همچنین وزیراعظم و شیخ‌الاسلامی را که شورشیان ینی‌چری بر او تحمیل کرده بودند، برکنار کرد. وی در هشت سال نخستین فرمانروایی خود پنج تن را به وزارت برگزید که از آن شمار می‌توان از بالتاچی محمدپاشا، چورلی‌لی علی پاشا و نعمان کورپرلی/کورپرولوزاده یاد کرد. دوره سلطنت احمد سوم در مناسبات عثمانی با دولت‌های اروپایی و ایران و نیز اصلاحات فرهنگی و نهضت نوگرایی اهمیت فراوان دارد. در پی نبردهایی میان روسیه و سوئد بر سر مسئله جانشینی در لهستان، کارل دوازدهم (پادشاه سوئد) در نبرد پولتاوا، از پطر کبیر شکست خورد و به خاک عثمانی پناهنده شد و از احمد سوم یاری خواست (۱۱۲۰ ق). از سوی دیگر، پیروزی روس‌ها در نبرد پولتاوا، آنان را به پشتیبانی از مسیحیان عثمانی برانگیخت؛ چنان‌که پناهندگی کارل دوازدهم (۱۶۹۷ - ۱۷۱۸ م) به عثمانی را بهانه کرده، خواستار بیرون کردن وی از آن کشور شدند و در پی یورش به خاک عثمانی برآمدند. سلطان احمد نیز در واکنش به این

010863

DIA

AHMED (III)

Ross, E. D.

A letter from James I to the Sultan Ahmad .-- 1933-35 ISSN: 0041-977x : Bulletin of the School of Oriental and African Studies, vol. 7 pp. 299-306, (1933-35)

Ottoman Empire - 17th century | Great Britain - Ottoman Empire | Letters & correspondence

الأَحْمَدِيَّة، وَقْف

يُنسب هذا الوقف إلى السلطان أحمد بن محمد الثالث (ت ١١٤٩هـ/١٧٣٧م). خصص هذا الوقف للإنفاق على أهل الحرمين الشريفين، وكان قد أنشأ بها عمارات وخيرات كثيرة^(١).

لم تذكر المصادر، ولا إيصالات أمير الحاج المتعددة، أن هذا الوقف كانت له مخصصات من الغلال أو الحنطة^(٢). وقد بلغ دخل هذا الوقف خلال القرن الثاني عشر الهجري/الثامن عشر الميلادي، ثلاثة وعشرين كيساً وكسوراً، أي (٥٦٠٤) بارة^(٣). وأشارت سجلات الديوان العالي إلى أن السلطان أحمد بن محمد الثالث، كان يرسل صرة إلى أهالي الحرمين الشريفين في النصف الأول من القرن الثاني عشر الهجري/ النصف الأول من القرن الثامن عشر الميلادي، بلغت ثمانية أكياس وكسوراً، أي (٢٢٥٤٠) بارة، خصصت منها لأهالي مكة المكرمة في كيس جلد (١٤٥٠٨٠) بارة^(٤). وخصص لأهالي المدينة المنورة (٧٩٩٦٠) من الأنصاف الفضية^(٥)، وعين لمدرسته والمكتب والسبيل والنافورة مبلغ (٢٩٨) بارة، تصرف يومياً كرواتب على هذه المنشآت الخيرية^(٦)، وقد ظل هذا المبلغ ثابتاً يتفق على أهالي الحرمين الشريفين طوال القرن الثاني عشر الهجري/الثامن عشر الميلادي^(٧).

الهوامش:

- ١ الرشيدي، أحمد، حسن الصفا والابتهاج بذكر من ولي إمارة الحاج، تحقيق: ليلى عبداللطيف أحمد (القاهرة: مكتبة الخانجي، ١٤٠٠هـ/١٩٨٠م)، ١٩٠؛ بيومي، محمد علي فهم، مخصصات الحرمين الشريفين في مصر إبان العصر العثماني (القاهرة: دار القاهرة للكتاب، ١٤٢٢هـ/٢٠٠١م)، ٩٦، ٩٥.
- ٢ بيومي، محمد علي فهم، دور مصر في الحياة العلمية في الحجاز إبان العصر العثماني (القاهرة: دار القاهرة، ١٤٢٦هـ/٢٠٠٦م)، ١٣٩.
- ٣ بيومي، مخصصات الحرمين الشريفين في مصر، ٩٦.
- ٤ بيومي، دور مصر في الحياة العلمية في الحجاز، ١٤٠.
- ٥ بيومي، مخصصات الحرمين الشريفين في مصر، ٩٦.
- ٦ بيومي، دور مصر في الحياة العلمية في الحجاز، ١٤٠.
- ٧ بيومي، مخصصات الحرمين الشريفين في مصر، ٩٦.

علي الشرفي

الأَحْمَر، جَبَل

من جبال مكة المكرمة. يقع في الجهة الشمالية الغربية للمسجد الحرام. وللجبل عدة أسماء ذكره بها المؤرخون، منها: الأعراف، وجزل، والحارثي، وأبو الحارث، والمولى. ذكر الأزرقبي جبل الأحمر ضمن حديثه عن أخشبي

إليها علي بن موسى، وهو يعدد الحدائق المعروفة في داخل المدينة. وكانت تقع في الجهة الجنوبية الغربية للمسجد النبوي الشريف، ملاصقة للسور البراني، وتشرف على زقاق المراكشية، ويجدها من الغرب بستان المراكشية، ومن شرقها بستان المحمودية. وكانت ملكية حديقة الأحمدية تعود لأل الحَجَّار^(١). وتعرف هذه الحديقة بـ(بلاد الحَجَّارية)، و(بستان الحَجَّارية)^(٢).

الهوامش:

- ١ ابن موسى، علي بن موسى، رسائل في تاريخ المدينة (وصف المدينة المنورة)، تحقيق: حمد الجاسر(الرياض: دار اليمامة، د.ت)، ٥٤.
- ٢ الخياري، ياسين أحمد، صور من الحياة الاجتماعية بالمدينة المنورة، ط ٢ (المدينة المنورة: ياسين بن أحمد الخياري، ١٤١٥هـ/١٩٩٥م)، ٨٥، ١٣٤.

عماد طاهر

الأَحْمَدِيَّة، عَيْن

كانت هذه العين تقع في الجهة الشمالية الشرقية من مكة المكرمة، قريبة من الجعرانة^(١)، وتنسب إلى الشريف أحمد بن عبد المطلب بن حسن بن أبي نمي (ت ١٠٣٩هـ/ ١٦٢٩م)^(٢).

ذكر هذه العين كل من: الطبري^(٣)، والغازي^(٤)، والكردى^(٥)، وغباشي^(٦)، ونسبها إلى الشريف أحمد بن عبد المطلب، ولم يوردوا معلومات مفصلة عنها.

الهوامش:

- ١ الطبري، علي بن عبد القادر، الأرج المسكي في التاريخ المكي وتراجم الملوك والخلفاء، تحقيق: أشرف أحمد الجمال (مكة المكرمة: المكتبة التجارية، ١٤١٦هـ/١٩٩٦م)، ٨٥.
- ٢ الطبري، ٨٥؛ غازي، عبد الله، إفادة الأنام بذكر أخبار البلد الحرام، ج ٢، مخطوط، نسخة مصورة عن مكتبة نصيف بجدة، منها صورة بموسوعة مكة والمدينة، تحت رقم ٩٥٣، ١٢١ غ ١، ٤١٤؛ دحلان، أحمد زيني، خلاصة الكلام في بيان أمراء البلد الحرام (مصر: المطبعة الخيرية بالجمالية، ١٣٠٥هـ/١٨٨٧م)، ٧١.

٣ الطبري، ٨٥.

٤ غازي، ج ٢، ٤١٤.

٥ الكردى، محمد طاهر، التاريخ القويم لمكة وبيت الله الكريم، ج ٥ (بيروت: دار خضر، ١٤٢٠هـ/٢٠٠٠م)، ٤٠٥.

٦ غباشي، عادل محمد نور، المنشآت المائية لخدمة مكة المكرمة والمشاعر المقدسة في العصر العثماني، رسالة دكتوراه، جامعة أم القرى، مكة المكرمة (١٤١٠هـ/١٩٨٩م)، ١٦٦.

علي الشرفي

III. AHMET'İN KIZI ZEYNEP SULTAN'IN HAYATI VE ÜSKÜDAR'DAKİ VAKFİYESİ

Ahmet Yaramış*



Zeynep Sultan'ın Hayatı

Zeynep Sultan 1127/1715 tarihinde doğmuş olup¹, çocukluk dönemi Osmanlı Devleti'nin bilim, kültür ve sanat alanlarında önemli yeniliklerin yapıldığı Lale Devri (1718-1730)'nde geçmiştir. O, III. Ahmet (1701-1730)'in otuz kızından birisi olup; annesi, padişahın ikinci hasekisi Mihrişah Valide Sultan (1145/1732)²'dir. Zeynep Sultan, aynı zamanda, III. Mustafa (1757-1774)'nın da anne-baba bir kız kardeşidir.

H. 1140/Mayıs 1728 tarihinde Zeynep Sultan, Sinek³ ve Küçük lakaplarıyla tanınan Mustafa Paşa⁴ ile evlenmiştir. Hanım Sultan'ın düğünü kız kardeşleri Saliha (v.1192/1178) ve Ayşe Sultan (v.1189/1775)'lerle beraber olmuştur. Evlilik hazırlığı olarak, her üçü için

*Yard.Doç.Dr., Afyon Kocatepe Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi Tarih Bölümü.

¹ Doğum tarihi hakkında kaynaklarda bir açıklık yoktur. Ancak, Topkapı Sarayı Müzesi Arşivi'nde tespit ettiğimiz bir belgede, III. Ahmet'in düğün hazırlıklarını yaptığı kızları Saliha, Ayşe ve Zeynep Sultanların isimleri, yukarıdaki sıra üzere zikredilmiştir (Topkapı Sarayı Müzesi Arşivi (TMSA), Defter(D).2213-1). Osmanlı Hanedanı üzerine araştırmalar yapmış olan Alderson ve Uluçay; Saliha ve Ayşe Sultanların doğum tarihlerini isim sırasına göre 16 Rebiyü'l-evvel 1127/21.3.1715 ve 13 Şevval 1127/11 Ekim 1715 olarak vermektedir. Zikredilen belgede, Zeynep Sultan'ın isminin diğer sultanlarınkinden sonra gelmesi, onun içlerinde yaşça en küçük olduğunun delili olmalıdır. Bu durumda, Zeynep Sultanın doğum tarihi 1715 yılının Ekim ayı ya da onu izleyen aylardan birisi olduğu söylenebilir. Bkz. A. D. Alderson, *The Structure of the Ottoman Dynasty*, Oxford, 1956, Table XLI; Çağatay Uluçay, *Padişahların Kadınları ve Kızları*, Ankara 1992, s. 88-89.

² Zeynep Sultan'ın annesinin Mihrişah Sultan olduğu, Şem'dânizâde Fındıklı Süleyman Efendi (Haz: M. Münir Aktepe)'nin, "Mür'it Tevârih" adlı eserindeki "... Ve Sultan-ı zamanın li- ebeveyn kız kardeşi Zeyneb Sultan..." cümle açığı kavuşturmuştur. (C. II-A, İstanbul 1981, s 15). Yukarıdaki cümlede bahse konu olan padişah, III. Mustafa ve onun annesi de Mihrişah Sultan'dır. Bkz. Uluçay, a.g.e., s. 81.

³ Mustafa Paşa'ya bu lakap, onun zayıf ve alık görünüşlü olmasından dolayı verilmiştir. Bkz. Baron Joseph Von Hammer Purgstall, *Osmanlı Devleti Tarihi*, (1757-1774), C.XVI, İstanbul -tarihsiz, s.75.

⁴ Mustafa Paşa, Zeynep Sultan ile evlendikten sonra, yirmi yıldan fazla Anadolu'nun çeşitli eyaletlerinde vali olarak görev yapmıştır. I. Mahmut (1730-1757)'un vefatı üzere tahta geçen III. Mustafa, ana-baba bir kız kardeşi olan Zeynep Sultan'ın eşi Küçük Mustafa Paşa'yı vezir rütbesi ile Nişancı ve Mora Muhassıllığı makamlarına tayin etmiştir. O, vefatı ettiği 1177/1763 tarihine kadar Nişancı olarak görevine devam etmiştir. Vefat ettiğinde seksen yaşında bulunmaktaydı. Bkz. Von Hammer, a.g.e., s.21, 75; Şem'dânizâde, C. I, (İstanbul 1976), s.168; C.II-A, (İstanbul 1978), s. 15.

Ahmed III

MADDE YAYIMLANMIŞTAN
SONRA GELİR DURUMUN

01 ŞUBAT 2009



ÜSKÜDAR SEMPOZYUMU

II

12 - 13 Mart 2004
BİLDİRİLER

CİLT 1

Editörler

Prof. Dr. Zekeriya Kurşun
Doç. Dr. Ahmet Emre Bilgili
Dr. Kemal Kahraman
Celil Güngör
Seyfettin Ünlü

Tel. 0216 341 05 00
Fax 0216 391 60 61

ÜSKÜDAR
BELEDİYESİ



Sanat Tarihi Defterleri, sy. 12, İstanbul 2008, sh. 53-60

D1654

- Ahmed (III)

- Çeşme

29 ARA 2008

**BÜYÜK YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN**

İstanbul Su Yolu Haritalarında III. Ahmed Çeşmelerinin Tasvirleri

Semra Ögel

İstanbul su yolu haritaları, teknik olarak su sistemini çeşitli unsurları ile açıklamak, ulaştırılan suyun nasıl vardığını, yolların güzergahını göstermek, sistemin tanıtımını üstlenmek amacı ile yapılmışlardır¹. Sanat Tarihi çerçevesine girmeleri beklenmez. Bununla beraber, 16. yüzyıldan itibaren 19. yüzyıla kadar haritalar yalnız İstanbul'un su yolu sistemini değil, suların vardığı semtleri binaları ile resimlemiştirler. Bu resimler, ifade teknikleri, çizim özellikleri ve renkleri ile devirlerinin sanat ortamının bir parçası olarak görülebilirler. Anlatımda kitap resmi sanatı ile bir ortaklık içinde, hem çeşitli yapılar için tanıtım formülleri bulmakta, hoşça gidecek renk düzenleri kurmakta, hem de yapı ve çevre özelliklerini bazen küçük ayrıntılara kadar yansıtmak istemektedirler. Böylece yerleri, binaları tanınabilir kılmaktadırlar. Kitap resmi sanatı ile paralellikleri, ihtimal hazırlanışlarında teknik ressamlık yapabilen nakkaşların çalışmış olmasındandır².

İstanbul'un resimli su yolu haritaları sekiz tanedir. Su yollarını kaynaklarından itibaren izleyen, toplanmalarını, iletimlerini, bağlantılarını kaydeden, bunu sağlayan başları, su kemerlerini, setleri, galerileri (lağım) maksemeleri (kubbeler), havuzları, su terazilerini görüntüleyen, amaçları itibarı ile öncelikle teknik olan resimlerdir. Teknik sistemin yapılarında ayrıntılara inen büyük bir anlatım özeni vardır. Tasvir ettikleri yerler ve binalar, bu suların ulaştığı yerler olmakla birlikte amacın dar bir çerçevede kalmadığı, gerek kırık bölgelerin, ağaçlıkların, köylerin, gerekse şehirdeki

¹ İstanbul su yolları Prof. Dr. Kazım Çeçen tarafından incelenmiş ve yayınlanmıştır. Resimli haritalar için başlıca kaynağımız bu yayınlardır. Kazım Çeçen Bibliyografyası için bkz. Prof. Dr. Kazım Çeçen Anma Kitabı, İstanbul, Renk Ajans 1998, s. 13 v.d.

² Semra Ögel, "Resim Olarak Su Yolu Haritaları", Kazım Çeçen Anma Kitabı, s. 93-112.

Sanat Tarihi Defterleri, sy. 12, İstanbul 2008, sh. 1-39

01684

- Ahmed (III)

- Çeşme

29 ARA 2008

BİRDİRE YAYINLANDI
SONRA GELEN DOKÜMAN

Mimaride Yenilenmenin Simge Yapısı: Bab-1 Hümayun Önündeki III. Ahmed Çeşmesi¹

Turgut SANER

Lale Devri tanımı, 1718-30 yılları arasını kapsamak üzere A. Refik tarafından önerilmiş, tarih ve sanat/mimarlık tarihi yazınında da benimsenmiştir. Üslup özellikleri açısından kapsamı bu yılları aşan Lale Devri mimarlığı, araştırmalarda bir ara dönem ürünü olarak işlenir. Dönemin sanat ve mimarlığı, klasik Osmanlı dönemi ile Batı etkilerinin ana tasarım dilini belirlediği 18. yüzyılın ikinci yarısındaki Osmanlı mimarlığı arasında bir geçiş olarak görülür. Bu geçişin temel özelliği araştırmalara göre "Batı etkili mimarlığa hazırlık"tır; henüz Barok ve Rokoko'nun tüm öğeleri sistematik biçimde tasarıma girmemiştir; Lale Devri mimarlığı bu yöndeki belirtileri taşır.

Topkapı Sarayı'nın ana kapısı Bab-1 Hümayun'un önüne inşa edilen III. Ahmed Sebili ve Çeşmesi de bu ara dönemin özellikleri içinde değerlendirilir. III. Ahmed Çeşmesi² ile birlikte yaklaşık aynı yıllarda çok sayıda meydan ve duvar çeşmesi inşa edilir. Tümü ortak bir mimari ifadeyi paylaşmaktadır. Üsküdar'daki III. Ahmed Çeşmesi, Tophane'deki I. Mahmud Çeşmesi ve Azapkapı'daki Saliha Sultan Çeşmesi'yle birlikte anıtsal çeşmelerin çekirdek grubu tamamlanır.

Bab-1 Hümayun'un önündeki çeşme, işgal ettiği yerin önemi, kronolojik öncülüğü ve tasarım özgünlüğü nedeniyle bu çalışmanın ana konusu olarak alınmıştır. Bu temsilci yapının anlaşılması diğer örneklerle de yansıtılabilir. Toplamda Lale Devri mimarlığının belli bir yönü tartışılmış olacaktır. Mimari betimleme bir sanat/mimarlık tarihi çalışmasının temel

¹ Lale Devri sanatının özgün dilini anlamaya yönelik çabam şimdiye kadar çeşitli kısa yazılara yansdı. Bu çalışma ise hepsinden önce, 1999'da, Prof. Dr. Semra Ögel'in önerisiyle doçentlik araştırması olarak hazırlandı, şimdi Defterler'deki yerini alıyor. Konuya yönelik teşvikleri için Ögel'e teşekkür borçluyum.

² Metin içinde sebil ve çeşme yerine sadece çeşme ifadesi kullanılacaktır.

57. Sharaf al-Zamān Tāhir Marvazī on China, the Turks, and India, ed. and trans. V. Minorsky, London 1942, text p. 18; trans. p. 29 s.2.
58. Iṣṭakhrī, Masālik va Mamālik, Tehran 1340/1961, anon. Persian translation of XIth - XIIth century, ed. Iraj Afshār, p. 264; cf. 'Abd al-Hāy b. Zuhāk Gardīzī, Zaīn al-Akhbār, ed. 'Abd al-Hāy Habībī, Tehran 1347/1968-9, pp. 257, 258, 259.
59. 'Alā al-Dīn 'Atā Malik Juvainī, Tārīkh-i Jahān-Gushā, text ed. Mīrzā Muhammad Qazvīnī, London and Leiden 1912-1937, i, 43, 60, 206 etc.
60. 'Abd Allāh ibn Faẓl Allāh Vassāf, ed. and trans. Baron J. von Hammer, Freiherr von Purgstall, as Die Geschichte Wassaf's, Wien 1856, text p. 267.
61. Hudūd, text, fos. 6a, 17a-b, 18a-b, 38a-b.
62. At the Boston Museum of Fine Art. See R.A. Rorex and Wen Fong, Eighteen Songs of a Nomad Flute, New York 1974, introduction and notes.
63. Rorex and Wen Fong, op. cit., scenes 3, 4, 5, 7, 8, 10, 13. Comparison of scenes 3, 5, and 13 from these illustrations of the scroll at the Metropolitan Museum, New York, with those at Boston show that in material details the scenes are identical.
64. The name for the curved Turkish roof strut, ūğ, appears for the first time in Kashgharī, op. cit., text p. 35 line 12; trans. i, 48, where it is defined as "a rib, *dil*", in the upper part of a tent, *xibā'*", thus implying the presence of a trellis in the lower part. This is confirmed by his definition of *ev qurşāğı* (cf. Qaz. *qur*) as "a strip woven from wool used as the girth of a tent, *xibā'*". *Xibā'* is the term he consistently employs for "trellis tent". Egin in the Irq Bitig also implies a curve in the strut. Cf. *ibid.*, text p. 234 line 1; trans. i, 464.
65. K.A. Wittfogel and Fēng Chia-shēng, History of Chinese Society: Liao, Philadelphia 1949, pp. 142, 206 ff.; trans. I, 1:2; also pp. 23, 237 n. 3
66. *Ibid.*, pp. 23, 115, 117.
67. Metropolitan Museum, New York, MS 11. 134.2.
68. The mention by al-Bukhārī (d. 869-870) of some form of Turkish dome, *qubba turkiyya*, as used by the Prophet at the battle of Khandaq in 627, is not specific in structural terms, nor is it, however authoritative, a contemporary source. See Şahiḥ, Kitāb al-Haj, bab 64, cited by Esin (1967), pp. 281-282.

Ibrahim ve Cevriye Artuk

OSMANLI SULTANI 3. AHMED'İN SİKKELERİNE TOPLU VE KISA BİR BAKIŞ

4. Enmed'in oğlu olan 3. Ahmed, Edirne Vak'ası sonucunda, öz kardeşi 2. Mustafa'nın hal'i üzerine, 23. Ağustos 1703 (10 Rebiülahir 1115) senesinde Edirne'de tahta geçmiştir. Çok zeki, kurnaz ve hassas olan Padişah, 30/31 Aralık 1673 (21/22 Ramazan 1084) senesi Cumartesi gününü Pazar'a bağlayan gecede dünyaya geldiğine göre, 30 yaşında tahta geçmiş ve Fitret devrinde Saltanatlarını ilan eden Şehzadeler sayılmak şartıyla, Osmanlı Padişahlarının 23 üncüsüdür.¹

Genç Padişah asilerin arzularına uyarak, Yeniçeri Ağası Çalık Ahmed'e Paşalık rütbesi verdiği gibi, ihtilâlcilerin istedikleri Şeyhülislâm Feyzullah Efendi'yi Erzurum'dan getirterek, asilerin eline teslim etti. Neticede Şeyhülislâm ve oğlu büyük bir işkençe ile öldürüldü. Bu olâya adı karışanlar Kıbrıs'a sürüldüler.²

3. Ahmed askerlerin arzusu üzerine, yakında İstanbul'a döneceğine işaret olarak, Sarayın önüne Tuğlar diktirdi, biraz ötede, kurumuş olan otağ'a gitmek istemesi üzerine, asiler, biriken ulufeleri ile culuslarını vermeden bir yere ayrılmıyacağını söylediler. Bu durum üzerine Padişah, bunlara "Hazinem onlar içindir, Padişah bir kuldan ibarettir. Lakin, halen benim elime verilen hazinenin akçe'den yana bomboş olduğu cümlelenizin malumdur. Benim hayır Dua-yı Padişahanemi isterlerse birkaç gün sabır ve mehil versinler ki tedarik edelim" demişti. Defterdar şaşkınlık içinde olup 200 Kесе mevacib ile 3688 Kесе culusiye'yi ne suretle tedarik edeceğini bilmiyor ise de yine kendisinin himmetiyle Enderundan alınan 1000 Kesenin inzimamı sayesinde müşküllatın önü alındıktan maada, 1000 Keseyi mütevaciz akçe de, Serhatlardaki Muhafız askerlerine culusiye bahşişi olarak gönderildi.³

Aynı senede, Yeniçeri Ağası Çalık Ahmed Paşa evvela azl, sonra öldürüldü. 1116 senesinde Darphane'de basılan para 70 ve Mısır'da basılan paralar 60 ayarında olduğu için aralarında 10 dirhemlik bir fark mevcud olduğundan, muhtekirler bu farktan istifade ederek, Mısır Parasını

22 MAYIS 1997

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



(1673-1736)

sultan iii. ahmed

1703-1730 yılları arasında padişahlık eden Sultan III. Ahmed'in mezarı, Yenicami'nin arkasındaki caddenin karşı tarafında bulunan "Yenicami Türbesi" (ya da Hatice Turhan Valde Sultan Türbesi) içinde, kapıdan girince sol dip köşededir. Kare kesitli türbenin duvarlarının üst bölümü, geniş lâcivert zemin üstüne beyaz celfyle Mülk Sûresi yazılmış çini bir kuşakla çevrilmiştir. Türbenin içi ve dışı temiz ve bakımlıdır. Fotoğraflarda türbenin dıştan görünüşü, girişi ve padişahın sandükaşı görülüyor.

31.12.1673 doğumlu olan Sultan III. Ahmed, 22.8.1703 tarihinde tahta geçmiş, 27 yıl 1 ay süren bir saltanat döneminden sonra 2.10.1730'da tahttan ayrılmıştır. Ölüm tarihi 1.7.1736'dır.

23. padişah olan Sultan III. Ahmed, sanata ve sanatçılara çok değer vermiştir. Özellikle sü-lüs, nesih ve celf yazılar üzerinde çalışmış; altı çeşit yazıyı dönemin ünlü hattatı Hâfız Osman'dan, ta'lik yazıyı ise Şeyhülislâm Veliyüddin Efendi'den öğrenmiştir. Birkaç tane mushaf yazdığı bilinir. Kendi çektiği bir "tuğralar albümü", 14 kıt'adan oluşan bir murakkaası ve kimi levhaları Topkapı Sarayı Müzesi'ndedir. Sultanahmet'te, Topkapı Sarayı'nın ana giriş kapısı Bâb-ı Hümâyûn'un karşısında bulunan ünlü III. Ahmet Çeşmesi'nin kitâbesi de sultanın elinden çıkmadır.

Zamanında güzel sanatlarla uğraşan kişileri korumuştur. Hattatlar arasında Yedikuleli Seyyid Abdullah ile Hoca Mehmed Râsim Efendi bunların en ünlüleridir. Değerli pek çok elyazması eseri toplayarak, Topkapı Sarayı bahçesinde kendi adına bir kütüphane kuran tek padişah da Sultan III. Ahmed'dir.

İstanbul'un Yedikule semtinde doğduğundan "Yedikuleli" diye anılan Abdullah Efendi, soyu Peygamber'e bağlandığı için, imzalarında seyyitliğini daima belirtir. Bir başka adı da Emîr'dir. Babası S. Hasan Hâsimî, oğlu S. Abdülhalim Hasîb ve torunu S. Mehmed Saîd efendiler de hattattır. Hâfız Osman'dan 17 yaşındayken meşk etmeye başlamış ve 40 ay gibi kısa bir sürede icâzet almıştır. Yedikule'deki İmrahor Camii imamı olan babasının ölümünden hemen sonra bu görevi üstlenmiş ve ömrü boyunca sürdürmüştür. Yetiştirdiği hattatlar arasında Eğrikapılı Mehmed Râsim Efendi ile Şekerzâde Mehmed Efendi en ünlüleridir.

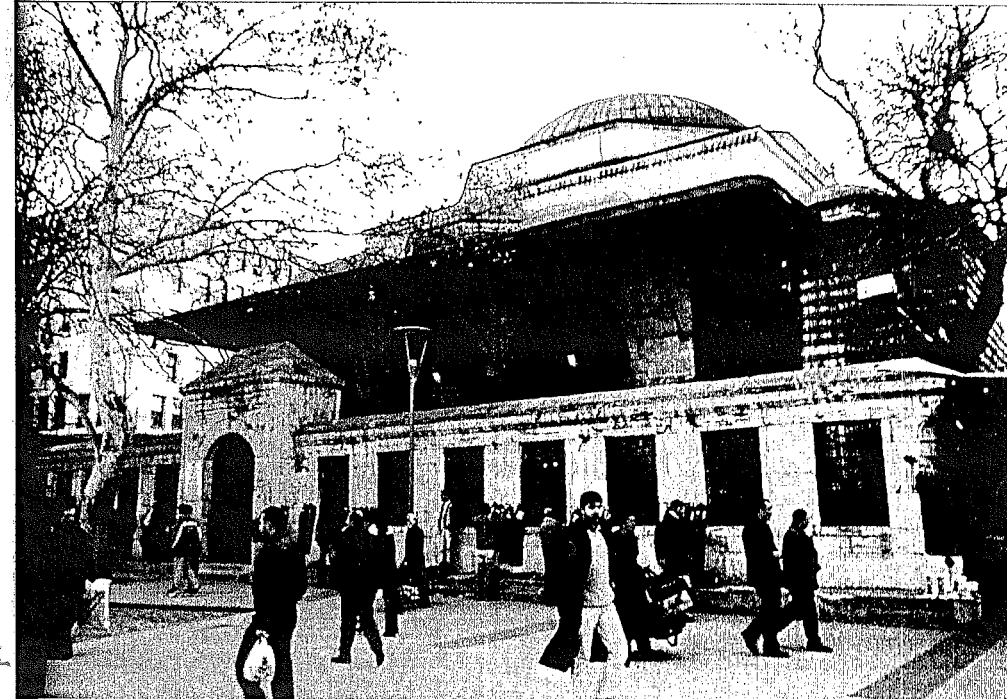
Hocası Hâfız Osman'ın teveccühünü kazanmış en değerli öğrencisi olan Seyyid Abdullah, özellikle nesih hattında ustası düzeyine erişmiştir. Bu nedenle Hâfız Osman'ın, onu zamanın ilerigelenlerinden birine takdim ederken "İşte Seyyid Çelebi budur; benden güzel yazar" dediği söylenir. Seyyid Abdullah, daha sonra bu olayı anlatırken "Bu övgü üzerine utancımın neredeyse kalem gibi ikiye bölünecektim" demiş..

Sultan III. Ahmed'in ilgi ve iltifatına mazhar olan Abdullah Efendi, 1708'den itibaren Topkapı Sarayı hat hocalığına getirilmiştir. Bir gün huzurda Yedikuleli'nin kullandığı mürekkebin güzelliğinden söz edilince, padişahın hemen ona bir baltacı neferi yollayıp hokkasını getirttiği ve mürekkebi boşaltılan hokkanın içini altınla doldurarak beraberinde değerli hediyelerle birlikte kendisine geri gönderdiği söylenir.

Yedikuleli çok ve çabuk yazan bir hattattır. İksi Sultan III. Ahmed'in emriyle olmak üzere 24 tane mushaf ve bin dolayında en'am, kıt'a, murakkaa ve hilye yazmıştır. Halvetiye tarikatine mensup olduğu bilinir.

DN.98484

M. Sinasi Acar, Ünlü Hattatların Mezarları
Güzelim Gidişim Dünyaya, İstanbul, 2004



23 TEMMUZ 1993

AHMET III. DEVRİNE AİT BİR ISLAHAT TAKRİRİ

MUHAYYEL BİR MÜLÂKATIN ZABITLARI

Vak'anüvis Sahaflar Şeyhi zade Kadıasker Esad Mehmed efendinin Fatih Millet kütüphanesinde «Vekayiname» [1] adı ile 50 numarada kayıtlı bulunan üç ciltlik yazma tarihinin 1241 H. (1825 M.) yılı vekayiinden bahseden ikinci cildinde [2] Yeniçerilerden ne suretle Eşkinci yazılmasına karar verildiği anlatıldıktan ve eşkinciler lâyihasının bir sureti yazıldıktan sonra lâhika serlevhasıyla ve hiçbir mehoz gösterilmeksizin «Bin tarihindenberu berveçhi muharrer düveli Efrenciye zuri şimşiri islâmiyanı rıkaplarından dur etmek üzere ateşin sanayii harbiye tedarikinde sa'yi bisyar ve ehli islâm anların kullandıkları hadayii harbiye idadı ile mukabele bilmişil muamelesi icrada terki sarfı berayayı iktidar ettiklerinden refte refte vukubulan seferlerde matlabı ruvı zafer tamamı ile çehrenümayi kader olmamağla huddakı a'sar bu derde deva tedarikinde terkibi cevarisi efkâr etmişlerdi. İşbu müddeayı ispat için bundan akdem biraz zaman imtidad bulan Nemçe esfarı halâlinde bazı erbabı ukulün muhakeme yollu kaleme alıp Sultan Ahmed-i salise sadrı asrı İbrahim Paşa merhum vasıtasıyla arz kıldığı makalei fevaid kelâle biaynihi nikâstei suturı vekayı ve dibacei risafei bedayı kılındı» denilerek bir ecnebi zabıtıyla Türk ordusundan ileri gelen namdar bir zat arasında cereyan ettiği tahayyül olunan ve türlü muhakeme ve tenkidleri ihtiva eden bir mülâkat, nakledilmektedir. Esad efendinin yukarıya geçirilen izahotında da görüldüğü vechile, «bazı erbabı ukulün muhakeme yollu kaleme aldıkları» bu makalenin muhakeme ve münakaşa ettiği meseleler okununca, bütün ordu ve idarede esaslı islahat yapılmazsa muvaffak olmanın ve memleketi sulhde tutmanın kabil olmayacağını padişaha telkin etmek ve 1716-1718 Nemçe seferinin sonlarında iktidar mevkiine geçen sulh taraftarı Nevşehirli İbrahim paşanın Padişahın, Pasarofça muahedesıyla neticelenen sulhe olan temayüllerini takviye eylemek maksadiyle hazırlanmış olduğu anlaşılmaktadır [3]. 10 Nisan 1718 tarihinde sadaret mevkiine geçen Nevşehirlinin harbi idame etmek isteyenlerin iddialarını çürütmek ve padişahı sulha ikna etmek için Pasarofça muahedesinin akdine (21 Temmuz 1718) takaddüm eden aevrede buna nasıl zemin hazırladığını göstermek ve o tarihte çarpışan fikir ve kanaatleri bize tanıtmak bakımından bu vesika ehemmiyeti haiz olduğundan mecmuaya dercinde faide görülmüştür.

Faik Reşit UNAT

[1] Kitabın müellif elyazısı ile yazılı bir nüshası İstanbul'da Süleymaniye Kütüphanesi Esad Efendi kısmında 2083 ve 2084 numaralarda ve itina ile yazılmış ve ciltlenmiş bir takımı da İstanbul Üniversitesi kütüphanesi yıldız Tarih yazmaları arasında 74 numarada kayıtlı bulunmaktadır. Esad Efendi nüshasını, muhafaza altında bulunduğu için tetkik edemedim. Yıldız nüshasının ikinci cildinde de bu layiha aynen mevcuttur (Bk. Varak 119 r - 136 r).

[2] Dahiliye kâtibi Bahir efendinin kırmızı mürekkeple yazılmış bir çok derkenar ve arada zeyil kılınan bazı fıkralarını da ihtiva eden bir nüshadır.

[3] O sırada Osmanlı ülkesine sığınmış olan kral Rakoçi Ferenc ve maiyeti ile Macar mühtedisi Müteferrika İbrahim Efendinin bazı fikir ve telkinlerinin izlerinin bu lâyhada yer almış olduğu da düşünülebilir.

Murakka'-ı Hās

Tuğrakeş bir pâdişah: Sultan III. Ahmed
Ahmed III: Sultan and affixer of the tuğra

M. Uğur Derman
Translated by Irvin Cemil Schick

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Den. No:	186897
Tan. No:	



İstanbul 2002

MADEK YAYINLANMISIN
KONBA GELEN OKUMAY

19 ŞİHAT 2010

41 AHMED III. (1673—1736), Osmanlı pâdişâhı olup, IV. Mehmed'in ikinci oğludur. Annesi Fâbia Gülnûş Emetullah Sultan idi. Babasının ikinci Lehistan seferi sonunda 31 aralık 1673'te Hacıoğlu-pazarı kışlağında dünyaya gelmesi, gerek ordugâhta, gerek Edirne, İstanbul ve Bursa'da müttad şenliklerle kutlandı. Ağabeyisi Mustafa ile birlikte 26 Mayıs 1675'te sünnet olan III. Ahmed'in düğün merâsimi 15 gün sürmüştü. İlk dersini ise, Beylerbeyi İstavroz bahçesinde (9 Ağustos 1679) Seyyid Feyzullah Efendi'den aldı. Babası tahttan indirildikten (8 Kasım 1678) sonra, amcalarından II. Süleyman ve II. Ahmed ile kardeşi II. Mustafa'nın saltanatlarında, zamanını kafes arkasında geçirdi. İstanbul'daki cebecilerin ayaklanmasıyla ortaya çıkan ve bilâhare Edirne'ye sirâyet ederek birçok kanlı hâdiselere sebep olan 1703 isyânı üzerine, zorbaların henüz Silivri'de buldukları bir sırada (17 Ağustos 1703) pâdişahlığına karar verilen ve 18 Ağustos Cuma günü, Çorlu'da adına ilk hutbe okunan III. Ahmed, 22 Ağustos 1703 Çarşamba günü Edirne'de tahta çıkarıldı. Bu itibarla III. Ahmed, pâdişahlığının ilk günlerinde devlet işlerini, yeniçeri ağası olan Çalık Ahmed Ağa, sadrâzam Kavanoz Ahmed Paşa, Karakaş Mustafa ve İmâm-ı Sultani nâmıyla meşhur şeyhülislâm Mehmed Efendi gibi bâzi zorba devlet

AHMED III.

41

adamlarının tesiri altında düzenlemek mecbûriyetinde kaldı. Bunların arzularıyla eski şeyhülislâm Feyzullah Efendi öldürülerek, cesedi Tunca nehrine atıldığı gibi, âilesinden birçoğu da hapis veya sürgün edildi.

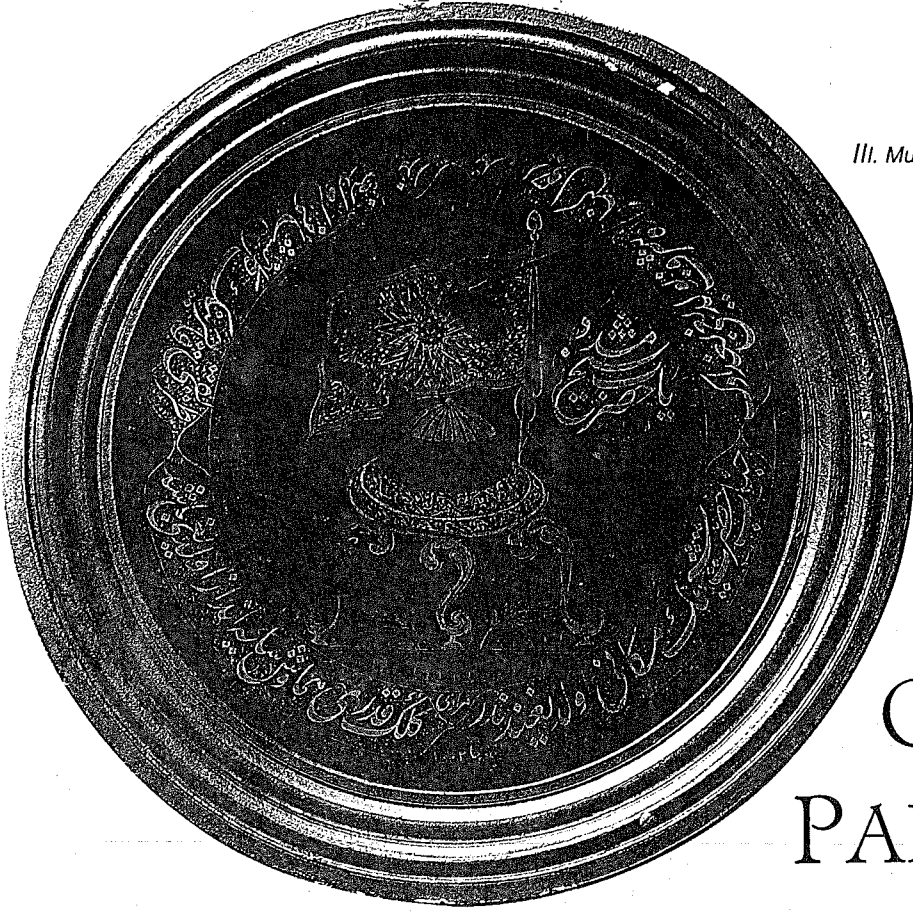
Daha sonra yine zorbaların isteği ve himâyesi altında, bütün saray erkânı ile birlikte İstanbul'a dönen III. Ahmed, Eyiüpsultan'a giderek, orada kılıç kuşandı. Buradan Topkapı Sarayı'na gelen pâdişah devlet idâresini fiilen ele almış oldu. Kendisinin İstanbul'da karşılaştığı ilk mühim hâdiseler, saray bostancılarının, cebecileri örnek alarak, yeni ayaklanma teşebbüsleri oldu. Ancak, yeni pâdişah bunlara şiddetle karşı koyarak, bir anda 700'den fazla bostancıyı saraydan uzaklaştırmak sûretiyle, hâdiseyi bastırmayı başarmıştı. Zorba reislerinin tahakkümünden sadrâzam Moralı Enişte Hasan Paşa'nın yardımıyla kurtulmaya muvaffak olan III. Ahmed, kısa fâsullarla Çalık Ahmed Ağa, Kavanoz Ahmed Paşa ve şeyhülislâm Mehmed Efendi'yi bertaraf etti. Yeni sadrâzamlarından Kalaylı Koz Ahmed Paşa ve Baltacı Mehmed Paşa'nın ilk sadâreti esnâsında, daha ziyâde imparatorluğun iç meseleleriyle uğraştı. Avrupa'da devam etmekte olan savaşlar karşısında, Kuzey Avrupa devletleri arasındaki savaşlar da dâhil olmak üzere, tarafsızlığını korumaya çalıştı. Fakat ünlü sadrâzamlarından biri olan Çorlulu Ali Paşa'nın bir takım kimseler vasıtasıyla, kendisinden gizli olarak, İsveç kralı XII. Şarl ile yaptığı temaslardan sonucu, Poltova'da Ruslara yenilen XII. Şarl'ın Osmanlı topraklarına sığınması ve daha bâzi sebepler yüzünden, III. Ahmed, bu tarafsızlığını sürdürümemeyerek, Rus çarı Petro'ya karşı harp açmak zorunda kaldı. Köprülü-zâde Numan Paşa'dan sonra 18 Ağustos 1710'da ikinci defa olarak sadârete getirilen Baltacı Mehmed Paşa zamanında Prut seferi başladı. 9 Nisan 1711'de Davud Paşa sahasından hareket eden Baltacı Mehmed Paşa, Silivri, Çorlu, Edirne, Paşa Köyü, Karin-abad, Aydos, Hacıoğlu-pazarı ve Baba dağı yolu ile İsakçı sahasına gelmiş, buradan Tuna'yı geçerek, Prut nehri boyunca kuzeye doğru ilerlemişti. Prut bataklıkları ve Falçı mevkiinde Osmanlı ordusunun Rus kuvvetlerine karşı elde ettiği büyük zaferin sonunda ise, Rus çarı Petro, Türklerin her isteğini kabul etmek sûretiyle, 23 Temmuz 1711'de, Prut barışını imzalamak mecbûriyetinde kaldı. Ancak, bu netice bilhassa Mehmed Paşa'nın muhâliflerini, milliyetçi İsveç kralı ile adamlarını ve halkı tatmin etmediği için, az sonra sadrâzam aleyhinde söylentiler çıktı.

III. Ahmed bu yüzden Baltacı'yı azl ile Midilli'ye sonra da Limni adasına sürdü. Yeni sadrâzam Gürcü Yusuf Paşa'nın iş başında bulunduğu sırada çar Petro, Prut antlaşması hükümlerini yerine

Küçük Türk-İslam Ans.

(s.1), s. 41-44, 1974 (İSTANBUL)

III. Murad, talik, M. 1002/M. 1594; kıt'a.



HATTAT OSMANLI PADİŞAHLARI

Dr. ZÜBEYDE CİHAN ÖZSAYINER
Türk Vakıf Hat Sanatları Müzesi Müdürü

Küçük yaşlarından itibaren, değerli hocaların eğitimi altında yetiştirilen Osmanlı padişahlarının her biri, sahalarında ustalaşmış hattatlar, yüzlerce eser bestelemiş musikîşinaslar Türkçe, Arapça, Farsça Divan sahibi şairler, ünlü hatipler, okçular, biniciler, ressam, hakaklar, marangozlar ve pehlivanlar olmuşlardır. Bilim ve sanatın koruyucusu oldukları gibi, etraflarında ünlü bilgin, sanatkâr ve musikîşinaslardan oluşmuş daimî bir çevreye sahip oldukları bilinmektedir.

Hattatların kiblesi olarak tanınan. Amasyalı Şeyh Hamdullah'ın divitinin bizzat II. Bayezid tarafından tutulması, hocasına verdiği yevmiyenin dışında, Üsküdar Sarıcazi'de iki köyü kendisine tumar olarak tahsis etmesi, padişahların hat sanatına verdiği önemin en güzel örneklerindedir.

Bu araştırmada, Türk Vakıf Hat Sanatları Müzesi'nde bulunan Os-

manlı padişahlarının hat örnekleri üzerinde durulacaktır. Müzede eserleri bulunan padişahlar, kronolojik sırası ile: III. Murad, III. Ahmed, II. Mahmud ve Abdülmecid'dir.

III. MURAD

Hat sanatına meraklı padişahlardan olan III. Murad, II. Selim ve Nurbanû Valide Sultan'ın oğullarıdır. 1946'da Manisa'da doğan padişah, 1574'te tahta çıktığı zaman, 28 yaşında idi. Yirmi yıllık bir saltanattan sonra 1595'te vefat eden III. Murad'ın türbesi, İstanbul'da Ayasofya Müzesi'nin yanındadır.

Hattatlığının yanı sıra edebiyat ile de uğraşan padişah, "Muradî" mahlası ile şiirler yazmıştır. "Divan-ı Müniri", "Futuhât-ı Siyam" ve "Esrarnâme" bilinen eserlerindedir.

Nesli ve talik hat ile eserler veren III. Murad, Kastamonu'lu Şeyh Şucâ Halvetî'den yazı meşk etmiştir.

Türk Vakıf Hat Sanatları Müzesi'nde III. Murad'a ait tek bir eser vardır. H. 1002/M. 1594 tarihli, 26 cm çapında cam üzerine, talik hat

ile dörtlü kartuşlar içine, tek satır halinde;

"Huma kuşunun gölgesi gibi kader kaleminin başıma vurduğu

Kadiri tarikatının gül nişanı olduğundandır.

Nedendir çöl kenarında şeref bulduğu Bağdad'ın

Cenab-ı Hazret-i Şeyh'in mekâm olduğundandır."

anlamında bir kıt'a yazılmıştır. Ortada üç ayaklı bir sehpa üzerine, Abdülkadir Geylani'ye ait olduğu

anlaşılan Kadiri kavuğu ve üstünde bir sancak, onun sağında talik hat ile

"Meded yâ Şeyh" ibaresi yer almaktadır. Altındaki "Muradî" imzası bu

dörtlüğün hatta gibi nazımının da III. Murad'a ait olduğunu göstermektedir. Bu şiir, III. Murad'ın Kadiri tarikatına mensup olduğunu da ortaya

çıkarmaktadır.

III. AHMED

1673'te doğan III. Ahmed, Sultan IV. Mehmet'in ve Rabiâ Gülnûş

Emetullah Valide Sultan'ın küçük oğullarıdır. 1703 yılında tahta çıktı-

15 NİSAN 1999

MARUF YAYINLARI
SONİCİ BELLEN ÇEVİRMEN

AHMED

AHMED (? – 1702/3): Divan şairi. Edirne’de doğdu, öğrenimini aynı yerde tamamladı. Dostları arasında Pervanezade adıyla ünlendi. Medrese tahsilinden sonra Rumeli’de kadılık yaptı. Edirne’de öldü. Salim Tezkiresinde, şiirleri için “Helvâ-yı Edirne gibi ekser eş’arı halâvetten hâlî ve tâze hayâlî bî-meze vü bâlî değil” değerlendirmesi yapılarak, yaradılışının ve düşüncesinin coşkunluğu vurgulanır. İsmail Belîğ tezkiresinde Ümmîdî mahlâsını kullandığını kaydeder.

Kay.: EŞ s. 343; MŞTÜ s. 27; NAZZE s. 24; SO 1996, 1/186; s. 233; TGDEİS s. 512; TŞ 1/322; TŞ/S (ÜK TY 2407) 39a; VF 2/ 233. ♦A. İNCE

AHMED, bk. **AHMEDÎ** (? – 1708)

AHMED (? – 1715): Osmanlı sahâsi yazar ve hattatı. Tokat’ta doğdu. Derviş Ahmed veya Saray Hocası diye tanındı. Enderun-ı Hümayun’dan yetişti. Belgratlı Mehmed Efendiden yazı meşketti. Özellikle sülûs ve nesih yazılarda üstattı. Saray hocasıyken çok sayıda *Kur’an-ı Kerim* yazdı. Bunlardan biri Hekimoğlu Ali Paşa Camiindedir. Sesi de güzel olan Ahmed Efendinin *Arâisü’l-Hat* adında yazıyı teşvik için yazdığı bir kitabı vardır.

Kay.: Yaz. Arv. ♦M. CUNBUR

AHMED (? – 1727): Osmanlı dönemi tarihçisi. İstanbul’da doğdu. Receb Efendinin oğlu olduğu için Recebzade diye tanındı. Atik Ali Paşa Medresesinde müderrislik yaptı. İstanbul’da vefat etti. **Eserleri:** *Nüzhetü’l-Ahbâr fi Tercemeti Hilyeti’l-Ahyâr*, Osmanlı tarihidir. Bursalı Tahir Bey bir eserde bu kitabı, *Mecma’u’l-Ahbâr fi Ta’rifü’l-Ahyâr* adıyla görmüştür. *Tercüme-i Tarih-i Aynî*, eserin Hz. İsa’nın zuhurundan Hz. Muhammed’in nesebine kadar gelen kısmının çevirisidir. OM’de yazarın 1718’de İstanbul’da meydana gelen depremi ve depremin oluş sebebinin açıklanan bir eserinin Beşiktaş Yahya Ef. Kütüphanesinde görüldüğü yazılıdır.

Kay.: OM, 1975 bs. 3/9. ♦M. CUNBUR

AHMED III (2.1.1674 - 13/24. 6. 1. 1736): Osmanlı padişahı ve divan şairi. Hacıoğlupazarı’nda doğdu. Osmanlı padişahı IV. Mehmed’in Rabia Gülnuş Emetullah Sultandan olan ikinci oğludur. Edirne Vak’ası arasında, Edirne’de tahta çıkarıldı (1703). Padişahlığı sırasında Baltacı Mehmed Pa-

şanın Prut zaferi, Mora’nın geri alınması, Girit’in fethi, Gence, Nahçıvan, Kirmanşah, Hemedan ve Revan’ın fethedilmesi gibi askerî başarıların gerçekleşmesinin yanı sıra; Avusturyalıların Belgrat’ı almaları, doğu cephesinde çeşitli yenilgiler, Anadolu’da eşkıyaların bir güç hâline gelmesi, esnaf teşkilâtının bozulması, vergilerin artırılması gibi olumsuzluklar da ortaya çıktı. Ülkenin kötüyü gidişi, Patrona Halil İsyanının patlak vermesine yol açtı (28 Eylül 1730). Sadrazam Damat İbrahim Paşa ve pek çok vezir öldürüldü. Sultan Ahmed tahttan indirildi, ömrünün kalan kısmını sarayda kapanarak geçirdi. İstanbul’da öldü. Yenicami yanında Valide Sultan türbesine gömüldü. “Serîr-i pâk-i firdevs ola Sultan Ahmede me’vâ” ölümüne düşürülen tarihtir. Eğlenceyi seven, ok ve tüfek atmada çok başarılı olmasına rağmen savaştan hoşlanmayan bir padişahı. Hiçbir savaşta bizzat bulunmadı. Sosyal alanda memlekete birtakım yenilikler getirdi. Devrinde sanatkârların hamisi oldu. Hüsn-i hatta da oldukça usta idi. Şiirlerinde Ahmedî ve Necîb mahlâslarını kullandı. Ayasofya karşısında yaptırdığı III. Ahmed Çeşmesi’nin Topkapı Sarayı’na bakan cephesindeki “Aç besmeleyle iç suyu Han Ahmed’e eyle dua” (H.1141) ibareli manzum tarihi de kendi hattıylandır. Üsküdar İskele Meydanındaki ve Kâğıthane Çağlayan’daki, Aynalıkavak’ taki çeşmeler de III. Ahmed hayratıdır. Topkapı Sarayı içindeki, Bahçekapı’da Yeni Cami külliyesindeki kütüphaneler, Üsküdar’daki Yeni Valde Camii sebil, çeşme, sıbyan mektebi ve imaretten oluşan külliye, Galatasarayı yanındaki ve Bebek’teki camiler III. Ahmed tarafından yaptırıldı. Devrinde Nedim* başta olmak üzere İzzet Ali Paşa*, Neylî Ahmed*, Seyyid Vehbî*, tarihçi Râşid*, Küçükçelebizade Âsım*, Nahifî* ve Samî* gibi şairleri himaye etti. İlk tercüme heyetlerinden biri onun zamanında kuruldu. Yanyalı Esad, Heratlı Kabzî, Mansûrîzade Fasîhî*, İshak*, Şam Kadısı Medhî*, Halep Kadısı İlmî*, Selânik Kadısı Müstecirzade Abdullah, Kara Halilzade Mehmed Said ve şair Nedim’den oluşan bu heyet sürekli toplanarak Doğu ve Batı dillerinden bu arada Fransızcadan çeviriler yaptı. Bu arada Türkçeden Fransızca’ya çevrilen bazı edebiyat kitapları da vardı. **Eseri:** *Divançe* (Millet K AEME 529/1).

Kay.: AT 4/66; *Esami* s. 50; M. İpşirli, “Lâle Devrinde Teşkil

MADE TAYEBI ARDIKTAN
SUNAL GILIM BOEDJAN

1 8 AGUSTUS 1981

DOCUMENTS ET COMMUNICATIONS

JERZY LISOWSKI

A PROPOS D'UN ÉCHANGE DES PRISONNIERS ENTRE LE
SULTAN AMHED III ET CHARLES XII, ROI DE SUEDE

En automne 1707 vint en Pologne un certain Mehmed Aga, envoyé par le ser'asker de Silistrie, Yūsuf Paşa, agissant au nom de la Porte Ottomane, pour entrer en rapport avec le nouveau roi de Pologne, Stanislas Leszczyński, et son puissant allié Charles XII, roi de Suède. Dans nos remarques sur la mission de Mehmed Aga, que nous avons publiées autrefois, nous avons nous occupé surtout des circonstances politiques qui précédèrent cette ambassade, ainsi que de la manière dont elle s'est passée¹. Mais nous n'y avons pas nous occupé d'un épisode qui, d'après quelques sources de l'époque, devait être immédiatement lié avec l'ambassade en question, notamment d'un échange des prisonniers qui dut avoir lieu entre la Porte Ottomane, ou bien le sultan Ahmed III et Charles XII, rei de Suède. Il s'y agit d'un épisode qui n'était sans doute pas trop important, mais dont la matière nous semble être assez intéressante pour s'en pouvoir occuper en particulier.

C'est dans l'*Histoire de Charles XII*, écrite par Voltaire, qu'on trouve une mention suivante: „L'ambassadeur turc présenta à Charles cent soldats suédois qui, ayant été pris par des Calmouks, et vendus en Turquie, avoient été rachetés par le grand seigneur,

¹ J. Lisowski, *Quelques remarques sur la mission de Mehmed Aga en Pologne (1707)*. „Folia Orientalia“, vol. I, 1959, pp. 46—56.

استنجد أحمد غران بالأتراك العثمانيين في اليمن. وتمكن البرتغاليون في بادئ الأمر من الانتصار، إلا أن أحمد غران عاد فتغلب عليهم، وقتل قائدهم. فأسرع البرتغاليون والأحباش معاً إلى إعادة تنظيم جيشهما، واستطاعا في معركة زَنْطراً Zantra قتل أحمد غران بطلقة رصاصة، فذب الذعر في صفوف جيشه، وتفرق شذر مذر، وكان ذلك في ١٧ ذي القعدة ٩٤٩هـ / ٢٢ شباط ١٥٤٣م.

وعلى الرغم من أن الحرب الجهادية قد توبعت من بعده، من قبل بعض قادته من أسرته نفسها، وأبلى فيها أزمته بلاء حسناً، إلا أن المسلمين أضعوا ما حققه لهم أحمد غران من فتوح.

ليلى الصياغ

بداة، لاهمّ لهم سوى الغزو السريع وكسب الغنائم، لم يكن عوناً له في هذا المجال؛ ناهيك عن نقص السلاح، والاعتماد على الأسلحة القديمة التقليدية.

أما المرحلة الثانية: وهي قصيرة نسبياً لا تتعدى العام إلا قليلاً، فقد تميزت بوصول نجدات للطرفين من الخارج. فقد أرسلت البرتغال إلى إثيوبية النجدة العسكرية التي كان قد طلبها النجاشي منها، لأنها إلى جانب العامل الديني، كانت حريصة على تثبيت أقدامها في موانئ البحر الأحمر، بعد كشفها لطريق الهند.

وكانت النجدة، حملة من أربعمئة جندي ومئة وثلاثين عبداً، بقيادة كريستوفر دوغاما وكانت مزودة بالمدفعية والبنادق. وبالمقابل

وبعد أن كوّن جيشاً قوياً من الصوماليين البدو الأشداء، أعلن عن رفضه دفع الجزية للنجاشي، وبدأ بذلك حربه الجديدة مع الحبشة، التي استغرقت حياته كلها. ويمكن أن يميز في تلك الحرب مرحلتان:

الأولى: وتمتد خمسة عشر عاماً (٩٣٣ - ٩٤٨هـ / ١٥٢٧ - ١٥٤١م). وفيها كان أحمد غران والأحباش يتحاربان وحدهما من دون عون من الخارج. وتمكن في أثنائها من هزيمة النجاشي ليُنْزِلَ دُغَل، في معركة مهمة في شَمْبْرَا كوره Shembra Kuré عام ٩٤٢هـ / ١٥٣٥م، تابع بعدها، لمدة ست سنوات، فتوحاته في أرض الحبشة. فسيطر على الجزء الأكبر منها، وحصل على غنائم كثيرة، إلا أنه لم يفلح في تثبيت انتصاراته، لأن جيشه، المؤلف من صوماليين

مراجع للاستزادة:

عرب فقه، فتوح الحبشة، ترجمه للفرنسية ربه باسمه R. Basset تحت عنوان - Histoire de la conquête de l' Abyssine (Paris 1897-1901).

إبراهيم علي طرخان، «الإسلام والممالك الإسبانية بالحبشة»، المجلة التاريخية المصرية، المجلد ٨ (القاهرة ١٩٥٩).

الموضوعات ذات الصلة:

إثيوبية - الصومال.

■ أحمد بن محمد بن إبراهيم

(١٠٨٣-١١٤٩هـ / ١٦٧٣-١٧٣٦م)

السلطان العثماني الثالث والعشرون (١١١٥-١١٤٣هـ / ١٧٠٣-١٧٣٠م) ويعرف بالسلطان أحمد الثالث. خلف أخاه مصطفى الثاني في الحكم في ١٠ ربيع الثاني / ٢١ آب إثر تخلي مصطفى عن الحكم في أعقاب ثورة الجيش الانكشاري.

بدأ السلطان أحمد حكمه بالقضاء على زعماء الثورة ومعاينة مؤيديهم، وبالعودة إلى نظام «الدفشمة» (وهو نظام تجنيد الشبان من البلقان، وكان قد تم التخلي عنه من قبل، وتجنيد المسلمين الأحرار، وكانت هذه هي المرة الأخيرة التي طبقت فيها الدفشمة).

عانى السلطان أحمد في السنوات الأولى من حكمه من خطر الفتن وعدم وجود صدر أعظم قوي لدرئها. وكانت السلطنة آنذاك تعاني من نتائج معاهدة كارلوفيتز التي وقعت في ٢٦ كانون الثاني ١٦٩٩ مع آل هابسبورغ، وتخلت لهم السلطنة بموجبه عن جميع هنغارية وترانسلفانية، وبودولية، وكانت هذه أول خسارة كبيرة للعثمانيين منذ نحو ثلاثمئة سنة حين هزمهم تيمورلنك

(١٤٠٢م)، وأول مرة وقع فيها العثمانيون الصلح منهزمين، وتخلوا بموجبه عن مناطق سيطروا عليها منذ مدة طويلة. ولم يتمكن العثمانيون بعد ذلك من استعادة ما خسروه. ولكن العثمانيين تمكنوا بموجب معاهدة بستاروفيتز Passarovitz عام ١٧١٨م من استعادة شبه جزيرة المورة من جمهورية البندقية بعد أن احتلتها عشرين عاماً، وبذلك ظهر عجز البندقية عن الاحتفاظ بسلطتها في البحر المتوسط. وبالمقابل كسبت الامبراطورية النمساوية وحكامها من آل هابسبورغ بموجب هذه المعاهدة من العثمانيين مناطق بنات تمسفار والأفلاق (فالأشية) الصغرى وبلغراد وأجزاء من شمالي صربية. ولكن العثمانيين، ودعم من فرنسا استعادوا هذه المناطق بموجب معاهدة بلغراد (١٧٣٩م) ولم تعد النمسا مصدر خطر كبير عليهم.

كانت علاقات الدولة العثمانية مع روسيا عدائية في عهد القيصر بطرس الأكبر الذي هزم الملك شارل الثاني عشر ملك السويد (١٧٠٩م)، فلجأ الملك السويدي إلى



العثمانيين. وقد حرّض ملك السويد وسفراء فرنسا والبندقية السلطان أحمد على محاربة روسيا وإلغاء الامتيازات التي منحتها الدولة العثمانية لها في عام ١٧٠٠م ومواجهة طموحات قيصر روسيا في البحر الأسود. وأعلنت السلطنة الحرب على روسيا في عهد الصدر الأعظم بلطجي محمد باشا في ٢٠ تشرين الثاني ١٧١٠م بحجة بناء روسيا أسطولاً حربياً في بحر آزوف، وإقامة القلاع على طول حدودها مع الدولة العثمانية، والتدخل في شؤون خان التتر، ونشر الدعاية بين رعايا الدولة من الأرثوذكس

SONRA GÖRÜLÜR

07 EYLÜL 1999

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ششم، تهران، ۱۳۷۳.

در باره رابطه با ایران، سلطان احمد، در نامه‌ای جلوس خود را به شاه سلیمان صفوی اطلاع داد و او را به رعایت مناسبات حسن همجواری و حفظ و حراست مرزها دعوت کرد (فریدون بیگ، ۵۱۶/۲-۵۱۹) و نیز پذیرش سفیر ایران، کلب علی خان را یادآوری نمود (همو، ۵۱۷/۲).

در زمان سلطنت احمد، همچنین والیان جبال طرابلس، با کمک حکام صیدا و بیروت که از خاندان معن بودند، نیز امیران بعلبک و عکا بر دولت مرکزی شوریدند و از پرداخت مالیات سرباز زدند. سپاه عثمانی به فرماندهی وزیر علی پاشا شورش را سرکوب و رهبران آن را دستگیر کرد و آرامش را به منطقه بازگرداند (کرده‌علی، ۲۷۰/۲-۲۷۱). همچنین در حوالی حوران و بصره نیز ناآرامی‌هایی رخ داد (آصاف، ۱۱۸/۲).

احمد دوم، مسیحیان و یهودیان را از پوشیدن لباسهای گرانبها و رفت و آمد سواره در شهر منع کرد و دستور داد که دستار سیاه بر سر به بندند (راسم، ۷۶۵/۱؛ نور، ۲۷۳/۴). وی به رغم ناتوانی در اداره کشور، مردی هنردوست و ادب‌پرور (شیخی، ۱۰۱)، موسیقی‌شناس و خطاط بود و به شعر علاقه داشت؛ فارسی و عربی می‌دانست و اشعار شاعران ایرانی و ترک را می‌خواند. وی چندین نسخه از قرآن کریم را به خط خود نوشت. از دانشمندان زمان او منجم باشی را می‌توان نام برد (اوزتونا، VI/173؛ برای فهرست دانشمندان و شیخ الاسلامهای زمان او نک: شیخی، ۱۰۱؛ بعد: علمیه، ۴۹۵). وی در اردنه درگذشت و در استانبول در آرامگاه سلطان سلیمان به خاک سپرده شد (آصاف، همانجا).

مآخذ: آصاف، یوسف، تاریخ سلاطین آل عثمانی، به کوشش بسام عبدالوهاب جایی، دمشق، ۱۴۰۵/ق ۱۹۸۵م؛ راسم، احمد، عثمانلی تاریخی، استانبول، ۱۳۲۶-۱۳۲۸ق؛ شیخی محمد افندی، وقایع الفضلا (ذیل شقائق نعمانیه)، به کوشش عبدالقادر اوزجان، استانبول، ۱۹۸۹م؛ عثمان زاده تائب، احمد، حدیقه الوزرا، فرایبورگ، ۱۹۶۹م؛ علمیه سالنامه‌سی (سالنامه علمیه)، استانبول، ۱۳۳۴ق؛ فریدون بیگ، احمد، منشآت السلاطین، استانبول، ۱۲۷۵ق؛ کرده‌علی، محمد، خطط الشام، بیروت، ۱۳۹۲/ق ۱۹۷۲م؛ منجم باشی، احمد، صحائف الاخبار، ترجمه احمد ندیم، استانبول، ۱۲۸۵ق؛ نعیم، مصطفی، تاریخ، ۱۲۳۸ق؛ نور، رضا، تورک تاریخی، استانبول، ۱۳۴۳ق؛ نیز:

Öztuna, Yılmaz, *Büyük Türkiye tarihi*, Istanbul, 1983; Uzunçarşılı, İ. H., *Osmanlı tarihi* Ankara, 1982.

أَحْمَد (سوم) (۱۰۸۴-۱۱۴۹ق/۱۶۷۳-۱۷۳۶م)، فرزند سلطان محمد چهارم و بیست و سومین سلطان عثمانی، وی در ۳۰ سالگی به سلطنت رسید و ۲۷ سال فرمان راند.

بیشتر مآخذ تاریخ عثمانی، زندگی‌نامه وی را از هنگام به سلطنت رسیدن او در ۹ ربیع‌الآخر ۱۱۱۵ق/۱۲/ اوت ۱۷۰۳م (نعیم، ۲۳/۲-۲۴؛ اوزتونا، VIII/126) به بعد به تفصیل یاد کرده و به دوران قبل از آن کمتر پرداخته‌اند. مادرش گلنوش سلطان نام داشت؛ در ایام سلطنت سلیمان دوم (۱۶۸۷-۱۶۹۱م) هنگامی که ۱۴ سال داشت - بنابراین سنت

Ayvansarâyî, Hâfiz Hüseyin *Vefeyât-ı selâtin ve meşâhîr-i-ricâl*, Istanbul, 1978.

علی‌اکبر دیانت

أَحْمَد (دوم) (۶ ذیحجه ۱۰۵۲-۲۷ جمادی‌الآخر ۱۱۰۶ق/۱۵ فوریه ۱۶۴۳-۶ فوریه ۱۶۹۵م)، بیست و یکمین فرمانروای امپراتوری عثمانی و سومین پسر سلطان ابراهیم. مادرش معرّز سلطان، دومین همسر ابراهیم بود (نعیم، ۲۰/۴). با اینکه در نوشته‌های مورخان معتبری مانند منجم باشی (۶۸۰/۳) و نعیم (۱۹/۴) تولد احمد در ۱۰۵۲ق ثبت شده، در کتاب شیخی (ص ۹۸) ۱۰۵۰ق آمده که نادرست است، زیرا هموسن او را هنگام جلوس بر تخت سلطنت (۱۱۰۲ق) ۵۰ سال نوشته است (همانجا، سطر ۶-۸).

احمد بعد از درگذشت برادرش سلیمان دوم به حکومت رسید. دوره کوتاه فرمانروایی او، یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ امپراتوری و نیز آغاز دوره ضعف آن به شمار می‌رود (اوزون چارشیلی، III(2)/591)، چه در اداره امور کشور ضعیف و فاقد قاطعیت بود و تحت تأثیر اطرافیان خود، با عزل و نصبهای بی دربی و نابجا در ایجاد این بحران مؤثر بود؛ به طوری که در مدت ۳ سال و اندی سلطنت، ۵ نفر را به صدارت برگزید (عثمان زاده، ۱۱۶-۱۲۲).

در آغاز سلطنت احمد، دولت عثمانی با اتریش در جنگ بود و فرماندهی ارتش عثمانی را صدراعظم مصطفی کوپرلی زاده بر عهده داشت. احمد با فرستادن مهر صدارت و شمشیر مرصع او را در مقام خود ابقا کرد (همو، ۱۱۷؛ شیخی، همانجا). صدراعظم بعد از دریافت فرمان جدید به بلگراد حرکت کرد و از آنجا به سوی مجارستان یورش برد، اما در سالانقمن - محل استقرار نیروهای اتریش - کشته شد و سپاه عثمانی شکست خورد (همانجا؛ راسم، ۷۶۱/۱-۷۶۲؛ اوزتونا، VI/161-163). پس از قتل صدراعظم، علی پاشا معروف به عزابه‌چی از سوی سلطان به صدارت و فرماندهی ارتش منصوب شد. وی که علاقه‌ای به ادامه جنگ نداشت، به زودی معزول، تبعید و کشته شد (عثمان زاده، ۱۱۸؛ شیخی، ۹۸-۹۹) و حاج علی پاشا به صدارت رسید. او برای ادامه نبرد با اتریش به تعمیر قلعه بلگراد همت گماشت (عثمان زاده، ۱۱۹)، پس از مدتی وی نیز از مقام خود برکنار شد. ابتدا مصطفی بوزاقلی و آنگاه سورمه‌لی علی پاشا به صدارت منصوب شدند (شیخی، ۹۹-۱۰۰؛ راسم، ۷۶۴/۱-۷۶۷).

به روزگار سلطنت احمد دوم، ونیزیان ابتدا قلعه غبله (گابلا) را تسخیر کردند (همو، ۷۶۶/۱) و آنگاه با حمله به جزیره کرت قصد تصرف خانه - مرکز این جزیره - را داشتند، اما موفق نشدند (اوزتونا، VI/165-166). با اینهمه، سرانجام جزیره ساقز (کیوس) را تصاحب کردند (راسم، ۷۶۷/۱؛ اوزتونا، VI/171-172). در این ایام سفیران انگلیس و فرانسه دولت عثمانی را برای پذیرش صلح با اتریش تحت فشار قرار دادند، اما دولت عثمانی به سبب شرایط سنگین پیشنهاد شده از سوی آنان، از مصالحه خودداری کرد (راسم، ۷۶۶/۱-۷۶۷؛ اوزتونا، VI/164).

استنجد أحمد غران بالأتراك العثمانيين في اليمن. وتمكن البرتغاليون في بادئ الأمر من الانتصار، إلا أن أحمد غران عاد فتغلب عليهم، وقتل قائدهم. فأسرع البرتغاليون والأحباش معاً إلى إعادة تنظيم جيشهما، واستطاعا في معركة زَنْطرا Zantra قتل أحمد غران بطلقة رصاص، فذب الذعر في صفوف جيشه، وتفرق شذر مذر، وكان ذلك في ١٧ ذي القعدة ٩٤٩هـ / ٢٢ شباط ١٥٤٣م.

وعلى الرغم من أن الحرب الجهادية قد توبعت من بعده، من قبل بعض قادته من أسرته نفسها، وأبلى فيها أمرته بلاء حسناً، إلا أن المسلمين أضعوا ما حققه لهم أحمد غران من فتوح.

بداة، لاهم لهم سوى الغزو السريع وكسب الغنائم، لم يكن عوناً له في هذا المجال؛ ناهيك عن نقص السلاح، والاعتماد على الأسلحة القديمة التقليدية.

أما المرحلة الثانية: وهي قصيرة نسبياً لا تتعدى العام إلا قليلاً، فقد تميزت بوصول نجذات للطرفين من الخارج، فقد أرسلت البرتغال إلى إثيوبية النجدة العسكرية التي كان قد طلبها النجاشي منها، لأنها إلى جانب العامل الديني، كانت حريصة على تثبيت أقدامها في موانئ البحر الأحمر، بعد كشفها لطريق الهند.

وكانت النجدة، حملة من أربعمئة جندي ومئة وثلاثين عبداً، بقيادة كريستوفر دوغاما وكانت مزودة بالمدفعية والبنادق. وبالمقابل

وبعد أن كون جيشاً قوياً من الصوماليين البدو الأشداء، أعلن عن رفضه دفع الجزية للنجاشي، وبدأ بذلك حربه الجديدة مع الحبشة، التي استغرقت حياته كلها. ويمكن أن يميز في تلك الحرب مرحلتان:

الأولى: وتمتد خمسة عشر عاماً (٩٣٣ - ٩٤٨هـ / ١٥٢٧ - ١٥٤١م). وفيها كان أحمد غران والأحباش يتحاربان وحدهما من دون عون من الخارج. وتمكن في أثناءها من هزيمة النجاشي لِنَبَا دَبْغَل، في معركة مهمة في شَمْبُرَا كوره Shembra Kuré عام ٩٤٢هـ / ١٥٣٥م، تابع بعدها، لمدة ست سنوات، فتوحاته في أرض الحبشة. فسيطر على الجزء الأكبر منها، وحصل على غنائم كثيرة. إلا أنه لم يفلح في تثبيت انتصاراته، لأن جيشه، المؤلف من صوماليين

ليلى الصاغ

مراجع للاستزادة:

عرب فقيه، فتوح الحبشة، ترجمه للفرنسية رنيه باسه R. Basset تحت عنوان - Histoire de la conquête de l' Abyssinie (Paris 1897-1901).

إبراهيم علي طرخان، والإسلام والممالك الإسبانية بالحبشة، المجلة التاريخية المصرية، المجلد ٨ (القاهرة ١٩٥٩).

الموضوعات ذات الصلة:

إثيوبية - الصومال.



العثمانيين. وقد حرض ملك السويد وسفراء فرنسا والبنديقية السلطان أحمد على محاربة روسيا وإلغاء الامتيازات التي منحتها الدولة العثمانية لها في عام ١٧٠٠ ومواجهة طموحات قيصر روسيا في البحر الأسود. وأعلنت السلطنة الحرب على روسيا في عهد الصدر الأعظم بلطجي محمد باشا في ٢٠ تشرين الثاني ١٧١٠ بحجة بناء روسيا أسطولاً حربياً في بحر آزوف، وإقامة القلاع على طول حدودها مع الدولة العثمانية، والتدخل في شؤون خان التتر، ونشر الدعاية بين رعايا الدولة من الأرثوذكس

■ أحمد بن محمد بن إبراهيم (١٠٨٣-١١٤٩هـ / ١٦٧٣-١٧٣٦م)

السلطان العثماني الثالث والعشرون (١١٤٣-١١٥٣هـ / ١٧٠٣-١٧٣٠م) ويعرف بالسلطان أحمد الثالث. خلف أخاه مصطفى الثاني في الحكم في ١٠ ربيع الثاني / ٢١ آب إثر تخلي مصطفى عن الحكم في أعقاب ثورة الجيش الانقلابي.

بدأ السلطان أحمد حكمه بالقضاء على زعماء الثورة ومعاقبة مؤيديهم، وبالعودة إلى نظام «الدفشمة» (وهو نظام تجنيد الشبان من البلقان، وكان قد تم التخلي عنه من قبل، وتجنيد المسلمين الأحرار، وكانت هذه هي المرة الأخيرة التي طبقت فيها الدفشمة).

عانى السلطان أحمد في السنوات الأولى من حكمه من خطر الفتن وعدم وجود صدر أعظم قوي لدرئها. وكانت السلطنة آنذاك تعاني من نتائج معاهدة كارلوفيتز Carlovitz التي وقعت في ٢٦ كانون الثاني ١٦٩٩ مع آل هابسبورغ، وتخلت لهم السلطنة بموجبها عن جميع هنغاريا وترانسلفانيا، وبودولية، وكانت هذه أول خسارة كبيرة للعثمانيين منذ نحو ثلاثمئة سنة حين هزمهم تيمورلنك

(١٤٠٢م)، وأول مرة وقع فيها العثمانيون الصلح منهزمين، وتخلوا بموجبه عن مناطق سيطروا عليها منذ مدة طويلة. ولم يتمكن العثمانيون بعد ذلك من استعادة ما خسروه.

ولكن العثمانيين تمكنوا بموجب معاهدة بستاروفيتز Passarowitz عام ١٧١٨م من استعادة شبه جزيرة المورة من جمهورية البندقية بعد أن احتلتها عشرين عاماً، وبذلك ظهر عجز البندقية عن الاحتفاظ بسلطتها في البحر المتوسط. وبالمقابل كسبت الامبراطورية النمساوية وحكامها من آل هابسبورغ بموجب هذه المعاهدة من العثمانيين مناطق بنات تمسفار والأفلاق (فالاشية) الصغرى وبلغراد وأجزاء من شمالي صربية. ولكن العثمانيين، ودعم من فرنسا استعادوا هذه المناطق بموجب معاهدة بلغراد (١٧٣٩م) ولم تعد النمسا مصدر خطر كبير عليهم.

كانت علاقات الدولة العثمانية مع روسيا عدائية في عهد القيصر بطرس الأكبر الذي هزم الملك شارل الثاني عشر ملك السويد (١٧٠٩م)، فلجأ الملك السويدي إلى

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN
26 TEM 2006

Angeli-Tektaş, Aylin. "Chronogramme über die Eroberungen Ahmed III, (reg. 1703-1730) im Iran= [III. Ahmed'in Iran seferine düşülen tarihler]." Yüksek Lisans Tezi. Die Universität Wien, 2002. 142 y. (Danışman: Doç. Dr. Edith Gülçin Ambros)

x III. Ahmed
= I. Mahmud
= Sikke

05213 LACHMAN, S. The Ottoman silver coinage in Armenia, Azerbaijan, Georgia, during the reigns of Ahmad III and Mahmud I, Num.circ. 84 (1976), pp. 51-53.

Ahmed III

Mucemu Hamit - Cezair, 169.

D. Baş: 5802

III. Ahmed

LISOWSKI, J. A propos d'un échange des prisonniers entre le Sultan Ahmed III et Charles XII, roi de Suède. Folia or. 14 (1972-73), pp. 289-292.

Sultan 3. Ahmed ve İsveç kralı
12-Eyl arasında bir mektup
mükadde meşmûde

x III. AHMET
x I. MAHMUT
ERMENİSTAN
AZERBAIJAN
GÜRCİSTAN

LACHMAN, S. The Ottoman silver coinage in Armenia, Azerbaijan, Georgia, during the reigns of Ahmad III and Mahmud I. Num.circ. 84 (1976), pp. 51-53.

III. Ahmed ve I. Mahmud dönemlerinde
Ermenistan, Azerbaycan,
Gürcistan'da Osmanlı
Gümüş Paraları

02 SUBAT 1994

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

09 EKİM 2006

1.3.4 Angeli-Tektaş, Aylin. "Chronogramme über die Eroberungen Ahmed III. (reg. 1703-1730) im Iran= [III. Ahmed'in Iran seferine düşülen tarihler]." Yüksek Lisans Tezi. Die Universität Wien, 2002. 142y. (Danışman: Doç. Dr. Edith Gülçin Ambros)

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- Ahmed III
- İbrahim Paşa Neveşirli

İBRAHİM PAŞA, Neveşirli. Turkish verses addressed to the Sultauna, eldest daughter of Sultaun Achmet the Third [Gibb IV, 12;] translated by Mary W. Montague. Asiatic annual register; miscellaneous tracts, 4 (1802), p. 149.

29 TEMMUZ 1997

Hüsrev Subaşı Ahmed III

İştirak Ettiği Kongreler ve Sunulan Bildiriler 12 OCAK 1994
• Hicret Kongresi,
17-19 Mayıs 1980 Erzurum. "Hattat Osmanlı Padişahları ve III. Ahmed"

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

x Ahmed III
- HATTAT

04 SUBAT 1994

SUBAŞI,

Hüsrev, "Hattat ve Şair Bir Padişah : Sultan III. Ahmed", Millî Gazete, (1982), 18 Temmuz, 12 S.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014

- 2749 ERIMTAN, Can. *Ottomans looking west? The origins of the Tulip Age and its development in modern Turkey*. London: Tauris Academic Studies, 2008 (Library of Ottoman Studies, 14). 269pp. [Ahmed Refik's later concept of the Tulip Age (of the period of Ahmet III & his son-in-law Damad Ibrahim Pasha) and the development of this concept.]

Leale Devri
120045
Damad Ibrahim Pasha
040023
Ahmed Refik
010953
Ahmed Refik
011008

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN